

## روش‌شناسی تفسیری بانو امین

نرگس عبدالحمید<sup>۱</sup>

### چکیده

بانوی بزرگوار ایرانی سیده نصرت امین در ۴۰ سالگی به مقام اجتهاد رسید و در فاصله‌ای نزدیک به بیست سال تفسیر جامعی از قرآن کریم به نام تفسیر مخزن العرفان نگاشت؛ در آن از منابع و مصادر صحیحی مانند کتب تفسیر و علوم قرآنی، حدیث و سایر کتب علمی استفاده شده است. تلاش مفسر بر روشن کردن مفاهیم آیات برای خواننده فارسی زبان و بر اساس روش اجتهادی می‌باشد. نکات قابل ملاحظه در این کتاب، توجه به تفسیر آیات با موضوع زنان، بهره‌مندی از روایات اهل بیت % و پرهیز از تبیین و توضیح آیات متشابه است و گرایش آن بزرگوار برخلاف نظر برخی که تفسیر مزبور را در زمره تفاسیر عرفانی توأم با باطنی‌نگری قلمداد نموده‌اند، گرایشی برگرفته از معنای اصیل عرفان است که بر مبنای بینش معرفتی رسول اعظم ﷺ و اهل بیت گرامی‌اش بنا نهاده شده.

کلید واژه:

بانو امین - تفسیر مخزن العرفان - روش تفسیر - گرایش تفسیر

### مقدمه

به واسطه آنکه قرآن منبع احکام شریعت است و آیات آن مشتمل بر محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مبهم و مبین هستند لذا طبیعی می‌نمود که پیامبر ﷺ از همان آغاز رسالت مأمور به تبیین قرآن برای مردم شود در این باره خدای تعالی می‌فرماید: *وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ يُتَّبِعِينَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ* (نحل / ۴۴)

پس از رحلت پیامبر ﷺ نیز اهل بیت % و تعدادی از صحابه بر مبنای احادیث و آموزه‌های آن حضرت در تبیین و تفسیر قرآن همت گماردند و با گذر زمان نیاز به تفسیر چنان ضرورت یافت که جایگاهی علمی برای آن به وجود آمد و در طول اعصار و قرون با گسترش و تخصصی شدن آن هر بخشی از تفسیر تبدیل به یک علم مستقل شد.

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل سطح (۳) و طلبه درس خارج فقه (سال چهارم) [Abdolhamid@infinit.ir](mailto:Abdolhamid@infinit.ir)

امروزه با توجه به گستره‌ی علوم تفسیری و تعدد کتب، مقالات و نوشته‌های فراوان، شناخت روش‌های به کار رفته در تفاسیر مورد نظر، کمک وافر به درک تفکر و اندیشه‌ی نگارنده نموده و از این راه به فهم دقیق‌تری از تفسیر مفسر رسیده و با واکاوی و مقایسه‌ی آن با دیگر تفاسیر به نگاهی جدید دست می‌یابیم.

از میان مفسرین معاصر بانویی مجتهده که در روزگار خود از سرآمدان علم فقه، اصول، اخلاق، فلسفه و عرفان بود به چشم می‌خورد که با نگارش تفسیر «مخزن العرفان» نام خویش را در زمره مفسرین قرآن قرار داد که این مقاله بر آن است تا در شناسایی و فهم روش تفسیری این بانوی بزرگوار قدم بردارد.

## شناسایی تفسیر مخزن العرفان و منابع تفسیری آن

### معرفی تفسیر مخزن العرفان

نگارنده‌ی تفسیر مخزن العرفان بانوی بزرگوار، سیده مکرمه نصرت امین (ره) معروف به بانوی ایرانی، اصفهانی در سال ۱۲۷۴ هـ ش مطابق ماه ذی‌الحجّة الحرام ۱۳۱۲ هـ ق در خانواده‌ای متدین، اصیل و نجیب در اصفهان دیده به جهان گشود.

ایشان از زمان کودکی به علم آموزی علاقه زیادی داشت و حتی پس از ازدواج نیز دست از تحصیل نکشید. وی آن چنان در جهت کسب علوم دینی از خود جدیت نشان داد که موافقت و مساعدت اطرافیان به ویژه همسر خویش را برای ادامه تحصیلات در علوم دینی، فقه و اصول و زبان عربی به دست آورد و همزمان به فراگیری حکمت و فلسفه مبادرت ورزید. وی در این زمان او بیست ساله بود. مهم‌ترین استاد ایشان که فقه و اصول و حکمت را به وی آموخت، آیت‌الله نجف‌آبادی بود.

در چهل سالگی نور اجتهاد در وجودش آشکار شد و با انتشار اولین کتاب به نام اربعین هاشمیه به زبان عربی که در آن چهل حدیث را در زمینه‌های مختلف کلامی، فلسفی، فقهی، اصولی و اخلاقی بسیار عمیق و زیبا تجزیه و تحلیل و نظریه‌های بدیعی را مطرح نموده است. نام ایشان در جوامع علمی مخصوصاً حوزه علمیه نجف زبازد خواص گردید و کتاب اربعین در نظر علما و اندیشمندان بسیار ارزشمند و عمیق جلوه گر شد و علماء از آن استقبال شایانی کردند. از آن موقع مراجعات و پرسش‌ها از ایشان از اطراف و اکناف آغاز شد و علماء در صدد بر آمدند تا از او امتحان اجتهاد بگیرند و بدین ترتیب حاجیه خانم امین در مقام اولین مجتهده عصر خود قرار گرفت و تعدادی از بزرگان به وی اجازه اجتهاد دادند، همانند آیت‌الله شیخ محمدرضا نجفی، آیت‌الله شیخ محمدکاظم شیرازی، آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌الله شیخ مرتضی مظاهری، آیت‌الله سید شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی، علامه سید عباس حسینی کاشانی صاحب معجم اعلام الشیعه، علامه شهید حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی، علامه شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدیر و... (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲: ص ۱۴)

بزرگ‌ترین اثر بانو امین تفسیر مخزن العرفان در پانزده جلد یک دوره کامل تفسیر قرآن است. این تفسیر در فاصله سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ ش به رشته‌ی تحریر در آمده است.

تفسیر ایشان، تفسیری جامع از قرآن کریم است. نقل می‌کنند بانو امین پس از تفسیر دو جزء اول قرآن از بیم آن که شاید برای تمام کردن تفسیر کل قرآن عمرش وفا نکند به تفسیر جزء سی‌ام می‌پردازند. بعد از آن به تدریج این کار را دنبال می‌کنند تا سرانجام در اواخر عمر پر برکتشان آن را کامل می‌کنند. (میرصادق سیدنژاد، ۱۳۸۱: ص ۶۴)

این تفسیر بر اساس تاریخی که در پایان برخی مجلدات ثبت شده در فاصله‌ای نزدیک به بیست سال بدین ترتیب نگارش یافته است:

جلد دوم: دوشنبه ۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۷۸ ق/ ۱۸ دی ۱۳۳۷ ش

جلد چهارم: سه شنبه ۴ صفر ۱۳۸۱ ق/ ۱۳۴۰ ش

جلد پانزدهم: سه شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۱ ق/ ۱۸ مهر ۱۳۴۰ ش

جلد سیزدهم: پنج شنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۳ ق/ ۲۴ مرداد ۱۳۴۲ ش

جلد دوازدهم: سه شنبه ۲ جمادی الثانیه ۱۳۸۵ ق/ ۶ مهر ۱۳۴۲ ش

جلد هفتم: ۱۰ شعبان ۱۳۹۱ ق/ ۹ مهر ۱۳۵۰ ش

جلد ششم: جمعه ۵ رمضان ۱۳۹۲ ق/ ۱۳۵۱ ش

جلد پنجم: چهارشنبه ششم محرم ۱۳۹۴ ق/ ۱۳۵۲ ش (مهدی مهریزی، ۱۳۸۵: ص ۱۷)

تفسیر مخزن العرفان یکی از معدود تفاسیری است که توسط بانوان نگاشته شده، البته اهتمام در نگارش آن مسیر زیبایی در فراروی قشر مربی جامعه یعنی زنان گشود تا بتوانند سبک زندگی اسلامی را در عصر و زمانه‌ای نزدیک به خود، الگو قرار داده و به سوی رشد و تعالی گام بردارند.

این کتاب شامل نکات اخلاقی و حقایق تابناک قرآنی است. مؤلف محترم در آغاز پیشگفتار پس از باز گوئی فضیلت قرآن، تذکرات سودمندی را پیرامون تفسیر و علوم قرآنی دارد آن گاه با تفسیر سوره «فاتحه» آغاز و در جلد آخر تفسیر خود را با سوره «الناس» با این سخن به پایان می‌برد: «از بعضی از علمای تفسیر وارد شده است که چون اول قرآن با حرف باء «بسم» افتتاح گردید و در آخر قرآن با حرف سین «والناس» خاتمه پذیرفته است، نکته‌ای عجیب مکنون است زیرا این حرف باء و سین را وقتی با هم جمع کنیم در فارسی کلمه «بس» را تشکیل می‌دهد و در عربی «بسک» به معنی حساب آید و معنی آن چنین می‌شود «حسبک من الکونین ما اعطیناک بین الحرفین» یعنی تو را از هر دو جهان کافی است آنچه را به تو در بین این دو حرف، عطا نمودیم، یعنی بر مرد و زن مسلمان کافی است که هر دو پیرو آن باشند تا آن‌ها را به سعادت و فیروزمندی دنیا و آخرت برسانند.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱۵، ص ۳۷)

### منابع تفسیر

در تفسیر قرآن، نباید از ظن و گمان و آن چه حجیت و اعتبار عقلی و یا شرعی ندارد، پیروی کرد بلکه باید به دلایل علمی و اطمینان بخش و به مدارکی که از نظر عقل و یا شرع اعتبار و مستند بودن آن ثابت شده است، استناد شود. مفسر قرآن در مسیر تفسیرش باید تنها از این گونه مدارک علمی، عقلی، و شرعی که در موضوعات ذیل خلاصه می‌شود، پیروی کند:

ظواهر الفاظ قرآن یکی از منابع و مدارک معتبر تفسیر است.

عقل فطری و سالم از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی نیز در مسیر تفسیر یکی از منابع قابل تبعیت است زیرا عقل

حجت و راهنمای صحیح و معتبر درونی است، همان طور که پیامبر حجت و راهنمای بیرونی است.

دستورها و گفتارهایی که به طور حتم از ناحیه معصوم ۸ رسیده، در تفسیر قرآن کاملاً دارای اعتبار و قابل تبعیت است زیرا

آنان در مسائل دینی مرجع معتبر و اطمینان بخشی هستند و پیامبر اکرم ۹ نیز لزوم تمسک به گفتار آنان را برای ما به صراحت و

قاطعیت اعلان کرده و فرموده است: «من در میان شما دو امانت سنگین به یادگار می‌گذارم که اگر بدان‌ها تمسک بجویید، هرگز به ضلالت و گمراهی نخواهید افتاد.» (محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ص ۲۹۴)

اخبار ظنی معتبر هم در تفسیر قرآن قابل استناد و اتکا می‌باشند... (سید ابوالقاسم خوئی، ۱۳۸۲: ص ۵۲۸)

استناد به مصادر و منابعی که از اصالت و اعتبار برخوردارند و دانشمندان و نویسندگان و پژوهشگران که همواره در تأیید و اثبات رأی خود، یا تردید و اسقاط نظر دیگری، جملگی بدان‌ها تمسک نموده‌اند، بازگو کننده ارزش بلند و اهمیت والای این منابع است. همچنین، اظهار نظر مثبت یا منفی محقق درباره آن‌ها، بیانگر شهادت و جرأت اوست که با استفاده از دلایل و براهین عقلی و نقلی، به نمایش جلوه‌ها و شاخصه‌های علمی و فرهنگی خود می‌پردازد.

مفسر فرزانه ما در این زمینه، به‌طور گسترده از منابع گوناگون تفسیری، علوم قرآنی، حدیث و لغت بهره گرفته است و آشنایی با این منابع و نحوه بهره‌جویی مفسر از آن‌ها، تأثیر به‌سزایی در ساختار روش تفسیر نگاری فراگیر و مبانی فکری وی در تفسیر، به جای گذاشته است.

### منابع و مصادر تفسیر مخزن العرفان

آن چه در تفاسیر معاصر قابل ملاحظه می‌باشد، توجه ویژه به منابع معتبر و مستندی است که مورد تأیید بزرگان این علم بوده و معیار صحت سنجی تفاسیر جدید گردید.

منابعی که مفسر محترم در تفسیر مخزن العرفان به آن رجوع می‌کند، منابع و مصادر صحیحی است که امروزه هر کس بخواهد در زمینه تفسیر چیزی بنگارد باید از آن‌ها بهره جوید.

منابع موجود در این کتاب عبارت‌اند از:

کتاب تفسیر و علوم قرآنی: مجمع‌البیان، جامع‌البیان، روح‌البیان، تفسیر ابوالفتوح رازی، منهج‌الصادقین، تفسیر صافی، المیزان، تفسیر طنطاوی، تفسیر ملاصدرا، کشف‌الاسرار، تفسیر بیضاوی، تیبان.

به‌عنوان نمونه: «در تفسیر مجمع‌البیان است که فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ... (بقره/۲۰۳) رخصت است در اینکه روز دوازدهم جایز است از منی بیرون رفت و بهتر این است که بماند تا روز سیزدهم ذی‌الحجه که سوم روز تشریق می‌شود و اگر کسی در روز دوم تشریق حرکت کرد بایستی بعد از ظهر حرکت کند تا قبل از غروب لکن اگر غروب شد دیگر جایز نیست حرکت کند تا روز سوم تشریق و در معنی قوله تعالی فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ دو قول است یکی گناهی بر او نیست زیرا بعمل حج سیئات او تبدیل بحسنات گردیده.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۲، ص ۲۵۵)

وی در تفسیر آیه ۴۳ سوره هود از بیانات تفسیر روح‌البیان چنین استفاده می‌نماید: «وَ حَالٌ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُعْرَقِينَ» در تفسیر روح‌البیان در توجیه آیه از صاحب‌نصوص چنین نقل می‌کند که گفته: مقصود از (دریای شهادت) قول مؤمنین است که گویند (اشهد) و (چون نهنگ لا برآرد سر) آن ارتفاع (لا) است، و مقصود از تیمم دو ضربت است یکی (الّا) و دیگر ضربت (اللّه) و مقصود از (نوح) زبانست و از (فم) کشتی و طوفان که تلفظ می‌کند (به آن لا اله الا الله) و وقتی مؤمن گفت (اشهد ان لا اله الا الله) (لا) سرش را از دریای شهادت بلند می‌کند و بر زبان طوفان واقع می‌گردد پس بر او واجب می‌گردد دو ضربت و وقتی این دو ضربت یعنی (الّا الله) واقع گردید نجات یابد لکن اگر دو ضربت را نزد و کافر شد و ساعتی توقف نمود در بحر طوفان غرق خواهد گردید.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۶، ص ۲۶۳)

کتاب حدیث: اصول کافی، تهذیب الاحکام، من لایحضره الفقیه، خصال، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم، تفسیر نور الثقلین، بحار الأنوار.

به طور مثال در ذیل آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۴۲) بانو می نویسد: «در کتاب کافی از حضرت امیرالمؤمنین ۸ چنین روایت می کنند که فرموده «علماء دو قسم اند عالمی که به علمش عمل می کند آن ناجی و اهل نجات است و عالمی که عمل به علمش نمی کند او هالک است و خود را به هلاکت ابدی رسانیده و اهل جهنم متأذی می شوند از بوی گند عالمی که تارک علم خود باشد متأسف ترین اهل جهنم مردی است که مردم را موعظه کند و آن ها را دعوت بحق نماید و آن ها بپذیرند و اهل بهشت گردند و خودش به متابعت هوای نفس و طول امل و آرزو و آمال از اهل جهنم گردد زیرا که در اثر متابعت نفسانی راه حق بسته می گردد و بطول امل و آرزوهای دور و دراز آخرت را فراموش می نماید.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۲۸۹)

همچنین در تفسیر این آیه «وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصُلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَ لْيَأْخُذُوا حِزْبَهُمْ وَ أَسْلِحَتْهُمْ» (نساء/۱۰۲) می گوید: «در کتاب من لا یحضره الفقیه باسناد خود از عبد الرحمن بن ابی عبد الله از حضرت صادق ۸ روایت می کنند که فرمود پیغمبر ۹ در جنگ ذات الرقاع با اصحاب نماز کرد و اصحاب را دو دسته نمود یک دسته را در برابر دشمن قرار داد و یک دسته را پشت سر خودش، حضرت تکبیر گفت، اصحاب هم تکبیر گفتند مشغول قرائت شد آنان ساکت بودند، پیغمبر رکوع کرد آنان هم رکوع کرد پیغمبر ۹ به سجده رفت اصحاب با او سجده کردند رسول الله هم قیام را طول داد و اصحاب برای خودشان (به طور فردی) یک رکعت دیگر خواندند و به یکدیگر سلام گفتند و برخاستند و به طرف دسته دیگر که در برابر دشمن ایستاده بودند رفتند و در برابر دشمن ایستادند و آن دسته آمدند و پشت سر پیغمبر ۹ ایستادند و بهمان ترتیب پیغمبر ۹ تکبیر گفت آن ها هم گفتند هنگام قرائت ساکت بودند و با رکوع پیغمبر رکوع و با سجده او سجده کردند پیغمبر ۹ نشست تشهد خواند و بر آنان سلام کرد آنان پس از سلام برخاستند و یک رکعت برای خودشان (به طور فردی) خواندند و بیکدیگر سلام کردند خداوند خطاب بر رسول می فرماید (وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ) الی (کتاباً مَوْقُوتاً) این است نماز خوف که خدا به پیغمبرش دستور داده.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۴، ص ۱۴۸)

کتاب لغت: مفردات راغب.

مفسر در تفسیر آیه «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا...» (نساء/۱۱۲) آورده است: «راغب در مفردات گفته اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد ولی برحسب اتفاق کار دیگری از او سرزند میگویند (اخطأ) یعنی بخطاء رفت.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۴، ص ۱۵۹)

کتاب دیگر: احیاء العلوم

ایشان به جهت احاطه کاملی که به احیاء العلوم غزالی دارد، آن مبحث را تلخیص نموده و می نویسد: «غزالی در احیاء العلوم راجع به معانی باطنیه نماز کلامی دارد که خلاصه آن را ترجمه می نمایم. چنین گوید معانی باطنیه نماز مندرج در شش چیز است حضور قلب، تفهیم، تعظیم، هیبة، رجاء، حیا.»

مقصود از حضور قلب این است که قلب را خالی گرداند از غیر چیزی که به آن تکلم می نماید یعنی دلش و فکرش مشغول به نماز باشد و حواسش متوجه به کلمات و هر گاه دید فکرش جای دیگر سیر می کند توجه به نماز کند.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۰۲)

در این کتاب شریف مطالب فلسفی و عرفانی بسیاری از جناب ملاصدرا نیز بیان شده است. همچنین باید اشاره کرد که ایشان در موارد بسیار نام نویسنده و منبع را ذکر نکرده، گرچه آغاز و پایان نقل را مشخص ساخته است.

## روش‌های تفسیری

با توجه به اینکه در خصوص روش‌های تفسیری تعریف مشخص و موجزی یافت نشد، لذا می‌توان برای معرفی اصطلاح روش تفسیر بر اساس شرح و تفصیل موجود در کتب مختلف چنین گفت که: «روش تفسیر عبارت است از شیوه‌ای که نحوه بهره‌برداری مفسر از منابعی مانند قرآن، حدیث، عقل در استخراج و استنباط معانی و حکمت‌ها و احکام قرآن اتخاذ می‌نماید» و در انواع زیر قابل تفکیک است:

### منهج یا روش قرآنی (تفسیر قرآن به قرآن).

این شیوه تفسیری عبارت است از توضیح و کشف آیه‌ای به وسیله آیات هم لفظ و هم محتوا، توضیح این که تا آن جا که آیات می‌تواند روشنگر آیه‌ای باشد نوبت به دیگر منابع نمی‌رسد. آغاز و چشم‌انداز تفسیر هر آیه باید آیات قرآن باشد نه این که زمینه فهم آیه را از آغاز با شأن نزول آماده نموده و پس از آن به سراغ آیات برویم بلکه زمینه فهم آیات را باید با خود آیات فراهم نمود، دانشمندان زیادی طرفدار این روش می‌باشند. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۶۷)

منهج یا روش روایی (تفسیر قرآن به روایات).

سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت % به وسیله روایات و گزارش گران سیره و تاریخ به دست ما رسیده است. همه‌ی این مجموعه از ارزش یکسان برخوردار نیست، چون شیوه و راه‌های نقل متفاوت بوده است، در نتیجه روش‌های دست‌یابی ما به احادیث مختلف است. (محمدعلی رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲: ص ۱۴۳)

آنچه در تفسیر مهم است تفسیر قرآن با روایات صحیحی است که به‌طور قطع از پیامبر و ائمه % صادر شده باشد، زیرا دروغ‌گویان و جاعلان حدیث از همان آغاز بر پیامبر ﷺ دروغ بستند، چنان که حضرت فرمود: «کثرت علی الکذابة» (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۸۷)

### منهج یا روش اجتهادی (عقلی یا جامع).

یکی از روش‌های تفسیری، که کامل‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها است، روش اجتهادی می‌باشد. واژه «اجتهاد» از «جهد» یا «جهد» به معنای تلاش و کوشش است. اجتهاد به معنای به کار بردن تمام تلاش و کوشش برای رسیدن به مقصد است. (احمد بن محمد مقرئ فیومی، بی تا: ص ۱۱۲)

«اجتهاد» از نظر اصطلاحی بیش‌تر در فقه کاربرد دارد که به معنای توانایی بر استنباط و استخراج احکام شرعی و فقهی از ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است. (سید ابوالقاسم خوئی، ۱۴۱۸ ق: ص ۵۶)

معانی اصطلاحی دیگری برای اجتهاد متصور است که به قرار زیر می‌باشد:

الف. به معنای نظر و رأی شخصی بدون مراجعه به منابع تفسیری.

ب. به معنای تدبیر، تفکر و به کار انداختن عقل و اندیشه.

ج. به معنای استنباط و فهم معارف و احکام قرآن با استفاده از منابع؛ مانند آیات دیگر قرآن، روایات، قرائن عقلی، لغت،

ادبیات و ...، با داشتن صلاحیت برای تفسیر. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۱۹۶)

بدیهی است در اینجا معانی دوم و سوم مورد توجه قرار گرفته و به طور قطع یک مفسر نمی‌تواند از مفسر دیگر، در تبیین آیات قرآن، تقلید کند، بلکه باید با دلیل و برهان و استفاده از ادله و منابع صحیح و معتبر به تفسیر آیات قرآن پردازد. آنچه از نظر برخی پنهان مانده تفاوت موجود میان روش تفسیر و گرایش تفسیری مفسر است که در این مقاله پس از تشریح و توصیف روش مفسر در تفسیر مخزن العرفان، به بیان گرایش تفسیری و انواع آن اشاره خواهد شد و پس از آن گرایش مفسر در تفسیر یاد شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### روش مفسر در تفسیر مخزن العرفان

بانو امین در ذیل هر بخش از آیات قرآن ابتدا ترجمه فارسی، سپس توضیح آیات و بعد بیان آیات را ارائه می‌نماید و در ادامه به پرسش‌ها و پاسخ‌ها و جواب اعتراض‌ها می‌پردازد، البته ترجمه و توضیح در ذیل همه آیات به چشم می‌خورد ولی دو عنوان دیگر یعنی بیان و پرسش و پاسخ فراگیر نیست. درباره منهج و روش این تفسیر می‌توان گفت: تلاش مفسر بر روشن کردن مفاهیم آیات برای خواننده فارسی زبان است و بر اساس روش اجتهادی از همه منابع موجود، بهره‌برداری لازم را در تبیین آیات قرآن به عمل آورده است.

### تفسیر آیات پیرامون زنان

یکی از موضوعاتی که این تفسیر را از تفاسیر دیگر متمایز می‌کند، تفسیر بانو از آیات پیرامون زنان است. با بررسی این تفسیر می‌توان گفت در تبیین این نوع آیات دو گونه دیدگاه ملاحظه می‌شود:

الف) مخالف با تفسیرهای متقدم ب) تفسیر مطابق با تفاسیر متقدم

که در اینجا به نمونه‌هایی اشاره خواهیم کرد.

الف) مخالف با تفسیرهای متقدم:

در تفسیر آیه (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى) (بقره/ ۲۲۲) اذی را رنج و مشقت دانسته و دیدگاه‌های دیگر را نمی‌پذیرد و می‌نویسد:

«توضیح آیه: ای محمد ﷺ از تو سؤال می‌کنند، از حیض. مفسرین در شأن نزول آیه چنین گویند: چون عادت عرب در زمان جاهلیت این بوده که در موقع حیض از زن به کلی کناره‌گیری می‌کردند و او را در خانه تنها می‌گذاشتند و به هیچ وجه با وی معاشرت نمی‌کردند همان طوری که عادت مجوس بر همین منوال بوده، شخصی به نام ابوالدحداح از حضرت رسول ﷺ سؤال نمود و گفت: یا رسول الله ما بایستی در موقع حیض با زن چه عملی کنیم آن وقت این آیه فرود آمد: (قُلْ هُوَ أَذَى). در معنای (اذی) از مفسرین سه قول نقل شده است.

قتاده و سدی گفته‌اند: یعنی حیض، نجاست و قذارت است؛ مجاهد گفته اذی به معنای خون حیض است؛ قاضی گفته (اذی) اشاره به ایذا و مشقتی است راجع به زن در ایام حیض. و قول سوم اقرب به حقیقت و معتبرتر است و شاید اشاره به این باشد که جماع در حال حیض برای زن ضرر کلی دارد، چنانچه اطبا گفته‌اند در حال حیض منافذ رحم باز است و طبیعت مشغول به تطهیر رحم و مهیا کردن آن است برای حمل و ممکن است رگ‌های نازکی که باز شده برای خارج کردن خون زائد، به جماع خدش‌های به آن وارد آید و رحم را فاسد گردانند. این است که قرآن امر می‌فرماید که خودداری نمایید از جماع در حال حیض. «سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۲، صص ۳۰۷ - ۳۰۸» در تفسیر آیه (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (بقره/ ۲۲۸) حقوق زن و مرد را برابر دانسته و چنین نوشته است:

«و زنان را بر مردان حقی است مثل این که مردان را بر زنان حقی است. چون تعلیمات قرآنی بلکه تمام دستورات و مقررات اسلامی روی میزان اصول اجتماعی و مطابق قانون عقل و منطق استوار گردیده و یکی از اصول فطرت و قوانین مدنی و اجتماعی حقوق زناشویی و قوانین ازدواج است که بایستی روی قاعده و میزان صحیح انجام داده شود و قرآن به تمام تر وجهی و صحیح ترین قانونی که اهل فن می‌دانند که در عالم چنین قانون مضبوطی سابقه نداشته، قانونی وضع نموده. بین چگونه پس از آنکه زن و شوهر را راجع به حقوق زناشویی مساوی قرار داده، بلکه در تمام شئون اجتماعی و فردی مثل معاملات، معاشرت، حقوق، تجارت و غیر این‌ها چنانچه از این آیه (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) استفاده توان نمود و شاید نظر به مساوات زن و مرد دارد آنجا که فرموده: (هُنَّ لِيَاْس لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاْس لَهُنَّ) زیرا که لباس مساوی با قامت و قامت مساوی با لباس است و اگر چه مورد این آیه حکم جماع در شب ماه رمضان است، چنانچه آیه (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ) نیز در مورد حقوق زناشویی فرود آمده، لکن چنانچه از معصوم رسیده قرآن ظاهری دارد و باطنی و باطن آن را نیز باطنی است که تا هفت بطن تحدید می‌نماید و نیز اشارات و کنایات بسیاری دارد که لا یعلم تفسیرها و لا تأویلها الا الله والراسخون فی العلم و أيضاً مورد مخصص نمی‌شود. غالباً احکامی که از قرآن استفاده می‌شود در موارد خاصی فرود آمده، لهذا ممکن است از عموم آیه بین زن و مرد در تمام شئون زندگی مساوات استفاده نمود، مگر در مواردی که استثناء شده». (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۲، صص ۳۲۱ و ۳۲۲)

(ب) تفسیر مطابق با تفاسیر متقدم:

با اینکه مفسر در موارد گذشته با مشهور مفسران اختلاف نظر داشت، ولی در مواردی نیز همان برداشت‌های متقدمین را در تفسیر آیات پذیرفته و بیان می‌نماید.

بانو در تفسیر آیه (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ) (نساء/ ۳۴) می‌نویسد:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ...» قیم کسی را گویند که امور مهم کس دیگر را انجام دهد و قیام صیغه مبالغه است، و فضل فرونی بعضی است نسبت به بعض دیگر و چون غالباً بالطبع هم در تدبیر و هم در نیرومندی و تحمل شدائد مردها بر اغلب زن‌ها فرونی دارند و چنانچه دانشمندان گفته‌اند و نیز به تجربه معلوم شده زندگانی زن‌ها احساسی و عاطفی است و بر نازک کاری و ظرافت تکیه دارد. به این جهات (وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ) یعنی و نیز از جهت انفاق مردها بر زن‌ها و مهر و بعض خصوصیات دیگر فرموده (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ)، خدای تعالی مردها را در این جهات بر زن‌ها فضیلت داده و باید دانست که این فضیلت و برتری مردها بر زن‌ها از جهت قوت عقلی و نیروی بدنی به‌طور کلی بر کلی است نه به‌طور شمول بر تمام افراد، زیرا چنانچه معلوم است خیلی از زن‌هایی بوده و هستند که در تدبیر و عقل بلکه در قوای بدنی بر بعضی از مردها فضیلت دارند.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۴، صص ۶۲ و ۶۳)

در تفسیر آیه (إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ) (یوسف / ۱۰۹) می‌نویسد:

«فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكِنَّ إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ» (یوسف / ۴۱) وقتی عزیز مصر دید پیراهن یوسف از عقب دریده فهمید که زلیخا خطاکار است، گفت این از کید شما زن‌هاست، زیرا که کید شما زن‌ها بزرگ است.

بعضی از مفسرین گفته‌اند که کید زن‌ها از کید شیطان بزرگ‌تر است، زیرا که کید زنان زود در دل می‌نشیند و تأثیر می‌کند و از بعض علما نقل شده که گفته ترس من از زنان زیادت‌تر از ترس من از شیطان است، زیرا که خداوند کید شیطان را آنجا که فرموده: (إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا) (نساء / ۷۶) ضعیف شمرده و کید زن را بزرگ به شمار آورده، آنجا که فرموده: (إِنَّ كَيْدَكِنَّ عَظِيمٌ) همانا کید زن‌ها بزرگ است.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۶، ص ۳۶۰)



نکته قابل توجه این است که توهم تأثیر جنبش‌های نواندیشی در تفسیر بانو (خصوصاً با عنایت به تفسیر پاره‌ای از آیات مرتبط با زنان) غیرقابل فرض است، زیرا ایشان در سال ۱۳۶۲ در سن ۹۶ سالگی از دنیا می‌رود و این تفسیر را در فاصله سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۲ ش تحریر کرده است. بنابراین نمی‌توان وی را متأثر از نواندیشی‌های جدید دانست که آغاز آن از دهه‌ی ۷۰ شمسی است. (مهدی مهریزی، ۱۳۸۵: ص ۲۳)

### بهره‌مندی از روایات اهل بیت %

یکی از ویژگی‌های مهم این تفسیر شریف بهره‌مندی از روایات اهل بیت % است که بانو این طور می‌فرماید: «در فهم قرآن بایستی از نور ولایت اقتباس نمود... آن‌ها کسانی می‌باشند که آیه تطهیر در شأن ایشان نازل گردیده إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْاٰبِيْتِ وَيَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً (احزاب / ۳۳) و آن‌ها راسخین در علم‌اند و مَا يَعْلمُ تَأْوِيْلَهُ اِلَّا اللّٰهُ وَ الرَّاسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ (آل عمران / ۵) (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۸)

همچنین پیرامون فضیلت خواندن قرآن و تدبیر در آن می‌گوید: «در تفسیر خلاصه المنهج چنین روایت می‌کند: «زهری گفت شنیدم از امام زین‌العابدین ۸ که قرآن خزینه‌های علم خداوند است و هر گاه درب آن خزینه گشوده شد بایستی در آن نظر کنی و از دریای منفعت آن در معرفتی به دست آری.»

«از علی بن موسی‌الرضا ۸ است که حضرت رسول ۹ فرمود: «خانه‌های خود را از تلاوت قرآن نصیبی بدهید زیرا هر کس در خانه‌ای تلاوت قرآن نماید کارهای دشوار اهل آن خانه آسان گردد و خیر و برکت در آن خانه بسیار شود و هر خانه که در آن قرآن خوانده نشود کار بر اهل آن خانه تنگ گردد و خیر و برکت در آن کم شود.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۴)

بین چگونگی قرآن در همین عالم نیز نسبت به درجه کمال هر کس طوری نمایش می‌کند بعضی از قرآن نصیبی ندارند غیر از خطوط و حروف و کلمات آن بعضی از معانی تحت‌اللفظی آن نیز بهره‌ای می‌برند بعضی بالاتر از معانی و اسرار آن حظی دارند تا برسد به معانی باطنی که فرمود از برای قرآن باطنی است و باطن آن را نیز باطنی است، تفسیر دارد، تأویل دارد، محکم دارد، متشابه دارد، لکن تأویل و تفسیر متشابهات که معانی چندی در بر دارد مخصوص به آورنده قرآن و نمایندگان وی است.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۷)

پرهیز از تبیین و توضیح آیات متشابه

ویژگی دیگر این تفسیر پرهیز از تبیین و توضیح آیات متشابه می‌باشد. بر اساس نظر بانو علم آیات متشابه مخصوص راسخان در علم است که اهل بیت عصمت و طهارت‌اند.

ایشان می‌فرماید: «بنا گذاردم اقتباس نمایم از مشکات انوار ولایت و اقتصار نمایم به ترجمه تحت‌اللفظی آیات و توضیح دهم بعض آیات محکومات را و پیرامون متشابهات نگردم...» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۳)

به‌طور مثال ایشان در تفسیر آیه‌ی ابتدایی سوره «ق» این‌گونه می‌گوید: «در معنی (ق) (ق/۱) از مفسرین توجیهاتی نقل شده و هر یک به وجهی صحیح است لکن چون حروف هجاء که در اوایل بعض سوره‌ها است از متشابهات قرآن بشمار می‌رود (و لا یعلم تفسیرها الا اللّٰه) پس به این لحاظ محول کردن علم آن را به خدا و راسخین فی العلم اولی است.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱۳، ص ۲۶۶)

«ممکن است امر به تفکر و تدبر راجع باشد به محکّمات قرآن و نهی از تفسیر به رأی راجع به متشابهات و شاهد جمع قوله تعالی «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا (آل عمران/۵) بعضی از آیات قرآن محکّمات اند آن‌ها ام‌الکتابند (یعنی اصل کتاب‌اند) و دیگر متشابهات و کسانی که قلب آن‌ها را زنگ و کتافت گرفته پیرو متشابهات اند برای آنکه راه فتنه و فساد را بجویند در صورتی که نمی‌دانند تأویل و تفسیر آن را مگر خدا و کسانی که علم و دانش در آن‌ها رسوخ نموده گویند ایمان آوردیم که تماماً از نزد پروردگار ما است.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۰)

تابعین اسلام با اختلاف مذهب و مسلکی که بین آن‌ها است هر کسی در رأی و عقیده خود (خواه صحیح و خواه فاسد) تمسک می‌نمایند به متشابهات قرآن و مطابق عقیده و مسلک خود آیات را تفسیر و تأویل می‌نمایند.

آیات متشابهات مثل «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (نور/۳۵) خدا نور آسمان و زمین است.» «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (طه/۵) خدا بر عرش مستولی است.» «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (حدید/۴) خدا با شما است هر کجا که باشید.» و امثال این‌ها از آیاتی که محتمل معانی بسیار است.

مثلاً اشعری در سلب اختیار عبد تمسک می‌نماید به آیه «وَإِنْ تُصِيبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (نساء/۸۰) و اگر حسنه و نیکی بآنها رسد گویند این از نزد خدا رسیده و هر گاه برسد بآنها سیئه و عمل بدی گویند این از طرف تو است بگو ای پیغمبر! تمامی آن‌ها از نزد پروردگار است.» که حسنه و سیئه هر چه باشد آن فعل حق تعالی و عمل وی است و لو ظاهراً عبد مباشر آن باشد.

معتزلی در اثبات اختیار تام برای عبد چنانچه مذهب و طریقه اوست متوسل می‌گردد به آیات دیگر مثل آیه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (توبه/۱۰۶) بگو ای پیغمبر! آنچه خواهید بکنید به زودی می‌بیند عمل شما را خدا و رسول خدا و مؤمنین هم می‌بینند چنانچه تفسیر شده مقصود از مؤمنینی که اعمال مردم را می‌بینند ائمه طاهرین می‌باشند.» و آیات دیگری که به طور کلی عمل را نسبت به عبد می‌دهد در بعضی از احادیث دارد که دورترین اشیاء به عقول رجال تفسیر قرآن است زیرا که در قرآن بعضی آیاتی است که اول آن در چیزی و وسط آن در چیزی و آخر آن در چیز دیگری است. (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۱)

«در حدیث جابر از صادق آل محمد! است، که قرآن را باطنی است و باطن آن را ظاهری است و دورترین اشیاء به عقل بشر تفسیر قرآن است خلاصه متشابهات قرآن آیاتی است که تاب معانی بسیار دارد این است که بدون نص صریح و حدیث صحیح که از طرف رسول اکرم! و ائمه طاهرین % که در شأن آن‌ها صادق آید قوله تعالی «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ (انعام/۹۰) آن‌ها کسانی هستند که خداوند آن‌ها را هدایت نموده و تو بهدایت آن‌ها پیروی نما» و شاهد آن باشد نمی‌توان به عقیده و سلیقه تفسیر و تأویل نمود لکن محکّمات قرآن و آن آیاتی که معنی آن واضح و جلی است یا فی الجمله خفایی دارد ظاهراً از مورد نهی خارج می‌باشد و مشمول آیاتی است که امر به تفکر و تدبر در آن‌ها شده چطور ممکن است گفته شود آیات قرآن که دستورالعمل روزانه ما است و ما موظفیم که برنامه زندگانی خود را از روی تعلیمات و دستورات آن قرار دهیم و اوامر و نواهی آن را اجرا نمائی‌ام ابداً جایز نباشد در آن نظر کنیم و تأویل و تفسیر و مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ آن را بشناسیم.

شیخ طبرسی در کتاب احتجاج از پیغمبر اکرم! چنین روایت می‌کند (ای مردم تدبر کنید در قرآن و بفهمید آیات قرآن را و نظر کنید در محکّمات قرآن و پیرامون متشابهات نگردید) آری البته در فهم ناسخ و منسوخ و تمیز بین محکم و متشابه و نیز در

مشابهات و آنچه از آیات معنی آن ظاهر و جلی نیست بایستی تمسک نمائی‌ام به ابواب علم پیغمبر ﷺ و از مشکات نور ائمه طاهرین استضاءه و استفاده نمائی‌ام و بفهم ناقص خود متکی نباشیم که در خلاف افتیم.» (سیده نصرت امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۲)

#### گرایش‌های تفسیری

یکی از مباحث مهم در مکاتب و روش‌های تفسیری، گرایش‌ها یا اتجاهات تفسیری است. گرایش‌های تفسیری، ویژگی‌ها و خصایص فکری یک مفسر است که پیش‌فرض‌ها و تراوش‌های فکری خود را در تفسیر اعمال می‌کند و این باعث می‌شود تا تفاسیر از یکدیگر متمایز گردند.

به‌طور کلی می‌توان گرایش‌های تفسیری را به گرایش تام، ناقص و ترکیبی تقسیم نمود:

الف. گرایش تام: در این نوع گرایش، اندیشه‌ها و ویژگی‌های فکری مفسر در تمام آیات، تأثیر گذاشته و با معانی و پیش‌فرض‌های خاص خود، تمام آیات را بر همین اساس تفسیر می‌نماید.

برای این نوع گرایش، می‌توان به تفاسیر صوفی، رمزی و عرفانی اشاره نمود که افکار و اندیشه‌های آنان، تمام آیات را در بر گرفته و مطابق مبانی باطنی و درونی خود به تفسیر آیات پرداخته‌اند.

ب. گرایش ناقص: منظور از گرایش ناقص، این است که مفسر در تفسیر قرآن کریم از منابعی؛ مانند روایات یا آیات استفاده کرده است و دارای روش خاصی؛ مانند روایی، قرآنی و یا اجتهادی است، اما در ضمن آن، به اندیشه‌ها و پیش‌فرض‌های خود که متناسب با آیه است به طرح مباحث مذهبی، اعتقادی و علمی می‌پردازد، از جمله این تفاسیر، می‌توان به «المیزان» اشارت نمود، که ضمن بیان تفسیر قرآن به‌وسیله دیگر آیات قرآن، دارای نوعی گرایش فلسفی است. نیز تفسیر «صافی» از فیض کاشانی، که تفسیری است روایی. اما دارای نوعی گرایش عرفانی می‌باشد.

ج. گرایش ترکیبی: این نوع تفسیر، ترکیبی از گرایش تام و ناقص است، چراکه برخی از تفاسیر دارای دو گرایش یا بیش‌تر است؛ یکی گرایش اصلی و دیگری ضمنی، چنان که در تفاسیر ادبی و بلاغی به این نوع گرایش برمی‌خوریم؛ مانند تفسیر «کشاف» که تفسیری ادبی و بلاغی است، اما با گرایش کلامی، که عقاید معتزله را در آیات مربوط به آن تبیین و تفسیر نموده است. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: صص ۲۱۵ و ۲۱۶)

در این جا به تعدادی از مذاهب و گرایش‌های تفسیری که در ذیل انواع مطرح شده می‌گنجد اشاره می‌شود:  
گرایش کلامی:

واژه «کلام» به معنای گفتار است اما در اصطلاح به علم عقاید گفته می‌شود. (محمدعلی رضائی اصفهانی، ۱۳۸۲: ص ۴۲۷)  
تفسیر با گرایش کلامی، روشی است که یک مفسر در تفسیر آیات اعتقادی یا فقهی از مذهب و عقاید خود دفاع می‌کند. مفسر در این شیوه تلاش دارد در هر مناسبتی که ضمن تفسیر آیات پیش می‌آید به اثبات عقیده خود یا نقد و ایراد و ابطال عقیده مخالفان خود بپردازد. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۲۳۳)

در تفسیرهای کلامی، شیوه استدلال نیز در اثبات یا نفی عقیده‌ای، مورد اهتمام بوده است. برخی تفسیرهای کلامی چون از روایات یا استدلال به شکل گسترده‌تر استفاده کرده‌اند، می‌توانند دارای دو گرایش کلامی - روایی و یا کلامی - فلسفی باشند. (سید رضا مؤدب، ۱۳۸۰: ص ۲۴۵)

گرایش فلسفی:

فلسفه به عنوان یک دانش عقلی، دارای موضوعاتی است که در قرآن کریم نیز آمده است. موضوع فلسفه، وجود محض و هدف آن نیز اثبات چنین وجودی است. آنچه در روش فلسفی برای تفسیر قرآن کریم رخ می‌نماید سخن از اثبات خالق هستی و مظاهر آن است. آیات فراوانی در قرآن کریم برای اثبات خالق هستی به شکل‌های مختلفی وجود دارد که روشن‌ترین آن‌ها آیه شریفه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» است که یک برهان کامل است و فلاسفه، آن را برهان تمناع می‌نامند.

در تفسیر قرآن، فقط از مطالب فلسفی ناب که بدیهی یا نزدیک به بدیهی است، می‌توان بهره برد و ارزش آن از معلومات تجربی ثابت‌شده نیز، بیشتر است؛ زیرا معتبرترین داده تجربی هم به پایه استدلالات عقلی قریب به بدیهی نمی‌رسد. (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۵۷)

تفسیر قرآن کریم، با گرایش فلسفی را می‌توان به دو شیوه تقسیم نمود:

الف) تطبیق و حمل کردن آیات قرآن، در واقع این نوع تفسیر از مصادیق «تفسیر به رأی» خواهد بود.

ب) دست یافتن به مفاهیم حقیقی دینی و بررسی دقیق معنا آیات، مطابق ضوابط صحیح و منابع معتبر در تفسیر.. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۳۵۲)

گرایش علمی:

دکتر ذهبی می‌گوید: تفسیر علمی تفسیری است که اصطلاحات علمی را در عبارات قرآنی تحکیم می‌کند و مفسر تلاش می‌کند علوم مختلف و دیدگاه‌های فلسفی را از قرآن استخراج نماید. (محمدهادی معرفت، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۴۹)

بنابراین، می‌توان در یک معنای عام، تفسیر علمی را چنین تعریف کرد: تفسیری که مفسر آن معتقد است قرآن کریم در بردارنده تمام یا برخی از علوم یا فرضیه‌ها می‌باشد، و در صدد تطبیق آیات قرآن بر کشفیات علمی جدید و قدیم است.

گرایش ادبی:

این گرایش در بیش‌تر تفاسیر تابعین به چشم می‌خورد. نزدیکی عصر تابعین به عصر نزول قرآن و آشنایی عمیق برخی از تابعین به عربی اصیل، باعث شده که تفسیر تابعین از نظر ادبی و لغوی جایگاه ممتازی را به خود اختصاص دهد. بیان معنای واژه‌های دشوار، ذکر کلمات معرّب و یادآوری زبان مبدأ از جمله‌ی مواردی است که در تفسیر تابعین به وفور می‌توان یافت.

(محمد کاظم شاکر، ۱۳۸۲: ص ۲۸۲)

گرایش ادبی تفسیر قرآن به سه شیوه مهم تفسیر بیانی، تفسیر لغوی و هرمنوتیک، تقسیم می‌شود. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: صص ۲۵۴ و ۲۵۵)

گرایش اجتماعی:

یکی از گرایش‌هایی که در قرون اخیر گسترش یافته است، تفسیر قرآن کریم با توجه به نیازهای اجتماعی است. یکی از ویژگی‌های این گونه تفاسیر پیروی نکردن از شیوه تفسیری سلف است که تنها متکی به روایات، آیات و لغت می‌باشند. این گرایش بر اساس یافته‌هایی از قرآن به مباحث مورد نیاز جامعه خود پرداخته تا مشکلات اجتماعی عصر خود را حل کند، یا دین را به شکل جدیدی متناسب با زمان مطرح نماید. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: صص ۳۴۳ و ۳۴۴)

گرایش عرفانی:

طرفداران این تفسیر با دست کشیدن از ظاهر قرآن به معنای باطنی آن پرداخته و معتقدند که اصل معنای قرآن در باطن آن خوابیده است و افراد ظاهرین، حقایق را درک نمی‌کنند. این نوع تفسیر را «اسطوره‌ای» و «عرفانی» نیز می‌گویند. «صوفیه»

«باطنیه» و «عرفا»؛ از جمله «محلّ الدین عربی»، این گرایش را پیش گرفته‌اند. در یک تقسیم، عرفا و صوفیان را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: «قائلین به حلول» و «قائلین به تجسید». تکیه‌گاه صوفیه، مطابق اندیشه‌ای که خود طرح کرده‌اند، فیوضات و الهاماتی است که تصور می‌کنند عین حقیقت است. ریشه این اندیشه‌ها در فلسفه یونان است، چراکه با ترجمه شدن مکتب‌های عرفانی و فلسفی یونان به زبان عربی - در قرن دوم و سوم هجری - این افکار در میان مسلمانان رواج یافت. (حسین علوی مهر، ۱۳۸۱: ص ۲۱۹)

#### گرایش تفسیری بانو

با توجه به مبحث فوق گرایش بانو در تفسیر را در زمره هیچ یک از گرایش‌ها و مذاهب معمول نمی‌توان گنجانند، البته برخی تصورشان بر این بوده که بانو تفسیرش را با گرایشی عرفانی نگاشته است و بر این باورند که می‌توان شیوه بانو امین را در تفسیر قرآن همانند روش صدرالمآلهین، فلسفی و عرفانی دانست. (میر صادق سیدنژاد، ۱۳۸۱: ص ۶۳)

آن چه در گرایش بانو نسبت به تفسیر قرآن می‌توان اذعان داشت، این است که به جهت رسیدن به درجه والای اجتهاد و بهره‌مندی از موهبت‌های خدادادی، توانایی نگارش این تفسیر شریف را یافتند.

بر اساس بینش قرآنی که تجربه عینی نیز مؤید آن است، بین کردار انسان و حالت‌های نفسانی او ارتباطی محکم و پایدار وجود دارد؛ بینش، گرایش و کنش در هر انسانی، با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ و تأثیر و تأثری متقابل دارند. اعمال انسانی، زمینه‌ساز طهارت و یا آلودگی نفسانی و شکوفایی و تقویت گرایش‌های پست و یا متعالی انسان است و وجود چنین ملکات یا گرایش‌هایی سبب اکتساب یا فقدان نوعی از معرفت یا تقویت و تضعیف و دقیق و غیردقیق شدن آن می‌گردد. (سید محمدحسین طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۶۶ و ج ۵، صص ۲۸۹ - ۲۹۲)

بر این اساس، هر اندازه که انسان از طهارت نفسانی برخوردار باشد، به همان میزان، در فهم و درک حقایق موفق‌تر خواهد بود و دلیل روشنی بر نقش طهارت نفسانی در فهم آیات می‌شود. (محمود رجبی، ۱۳۸۳: ص ۳۰۳)

از سوی دیگر، آیات قرآن از حقیقت دیگری نیز پرده برداشته که مورد تأیید تجربه عملی است و آن عبارت است از تفاوت انسان‌ها در فراگیری علوم و در پی بردن به معارف بر اساس امدادهای ویژه الهی که به‌عنوان حقیقتی برخاسته از طهارت نفسانی و یا مستقل از آن، می‌تواند در نظر گرفته شود.

این موضوع در واقع همان حقیقتی است که با عنوان «علم الموهبه» در کتب علوم قرآن و تفسیر از آن یاد شده و بر نقش اساسی آن در تفسیر تأکید گردیده است. (خالد عبد الرحمن العک، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶: ص ۱۸۸)

بانو امین با نگرش و دیدگاهی که در نوع خود بی‌نظیر بود، به همگان تعریفی نو و جدید از عرفان و معرفت ارائه نمود، زیرا کسانی که پیش از این با گرایش عرفانی قرآن را تفسیر می‌کردند اندیشه‌ها و ویژگی‌های فکری خود را در تمام آیات، تأثیر داده و با معانی و پیش‌فرض‌های خاص خود، تمام آیات را بر همین اساس تفسیر می‌نمودند.

اما آنچه بانو از عرفان در نظر داشت، آن چیزی بود که در معارف رسول الله ﷺ و اهل‌بیت گرامی‌اش یافت می‌شد و می‌فرمود: «آری اینکه غیر از نبی اطلاع از ذوق و درجه عرفان نبی ندارد لکن معلوم است که عوالم وجود در نظر آن برگزیدگان مکشوف است و اخباری که راجع به عالم قبر و برزخ و قیامت و غیر این‌ها می‌دهند و از روی کشف و شهود و به‌ضمیمه وحی است و تا چنین دانشی در آنان نباشد لایق وحی نمی‌باشند نه این است که فقط از راه گوش و چشم استماع وحی نمایند یا رؤیت ملک کنند و چنانچه گفته‌اند شرح صدری که در قرآن به معنی ظرفیت داشتن برای فرا گرفتن علم و عرفان آمده در حقیقت بهمان معنی

اصلی‌اش استعمال شده، چون سینه را شرح دادن و آن را پذیرای هر معارفی که پیش بیاید کردن یک نحو توسعه است و به شهادت اینکه در باره اضلال که در مقابل شرح صدر است می‌فرماید: (يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا) در مجمع‌البیان گفته در روایت صحیحه است که چون این آیه نازل گردید از رسول الله ﷺ سؤال شد که شرح صدر چیست گفت نوری است که خدا به قلب مؤمن می‌اندازد و قلبش باز می‌گردد و وسیع می‌شود، گفتند آیا برای آن علامتی است که به آن شناخته شود، فرمود آری»

از این سخن می‌توان در یافت نظر بانو غیر از نظر عرفای سلف و صوفیه و باطنی‌گری است چون ایشان علم خود را بر قرآن غالب می‌کردند ولی بانو امین چنین اعتقادی نداشت و می‌فرمود: «عرفا از طریق عرفان، طریق تحصیل معرفت را از قرآن می‌یابند.»

صاحب‌نظران، غالباً در مقام اثبات این حقیقت، به روایات ناظر به تأثیر رفتار انسان در زمینه‌سازی برای دریافت علم جدید تکیه کرده‌اند و به ویژه این حدیث را مورد توجه و استناد قرار داده‌اند.

«من عمل بما علم ورثه الله علم ما لم يعلم؛ (محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۰، ص ۱۲۸) هرکس به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند دانش آنچه را که نمی‌داند به او عنایت می‌کند.» در روایات، این مسئله به شکل‌ها و با بیان‌های مختلفی مطرح شده است.

البته این بسیار مهم است که بدانیم علمی که در این حدیث بیان شده است، علم از طریق صحیح و درست است، نه هر گونه اطلاعات و آگاهی‌های شخصی که عاری از هر گونه منبع صحیح و قابل اعتنا باشد و از نگاه امیر المومنین ۸ دارای درجات علمی و رشد معنوی و عقلانی باشد. علی ۸ در روایتی می‌فرماید: «خداوند کلامش را سه بخش کرده است» و سپس در ضمن شمارش اقسام می‌فرماید: «و بخشی از آن را تنها کسی می‌فهمد که دارای صفای باطن و احساس لطیف و تشخیص درست بوده، خدا به او نسبت به پذیرش اسلام شرح صدر عنایت کرده باشد.» (محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۲، ص ۴۵)

از جمله روایات دیگر مورد استناد برای این مقصود، روایتی است از علی ۸ که می‌فرماید: «الا یؤتی الله عبدا فهما فی القرآن؛ مگر اینکه خداوند به بنده‌ای فهمی در قرآن عنایت کند.» (ملا محسن فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۶)

آنچه در شرایط مفسر تحت عنوان‌های اخلاص، ایمان، عمل صالح، تقوا، آداب نفسیه و مانند آن‌ها مطرح است و نیز آنچه در منابع تفسیر به‌عنوان واردات قلبی، الهامات، شهود عرفانی و مکاشفه تامه از سوی برخی مفسران و دانشمندان علوم قرآن مطرح شده است، زمینه‌ها و نتایج علم الموهبه به شمار می‌آید و آنچه که به‌عنوان علم تأویل آیات در مورد غیر معصومین مطرح است، چنانکه به حقیقت یادشده بازگردد، امری درست و مورد پذیرش می‌باشد، ولی اگر مقصود، تأویل‌هایی از سنخ تأویل‌های باطنیه و گروه‌های انحرافی دیگر که برای اثبات مدعیات خود قرآن را مستمسک قرار داده و می‌دهند، و یا از ذوقیات بدون مستند عالمان صادق باشد، هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد و زمینه انحراف مفسر را فراهم می‌سازد.

بانو امین با نگارش تفسیر مخزن‌العرفان، این نگاه جدید به عرفان را توسعه و ترویج دادند که باید ریشه‌ای درست و صحیح داشته باشد و جز از طریق اهل‌بیت عصمت و طهارت به دست نیامده باشد و از اصول تفسیر قرآن تخطی نکند، زیرا که اصل مهم در تفسیر، اصالت قرآن و یقینی بودن آن است و هر چه پیرامون تبیین و توضیح قرآن بیان می‌شود، محتمل و ظنی خواهد بود و این امکان وجود دارد که در آینده نظر یا نظراتی فوق آن کشف شود.

این دیدگاه در تفسیر بانو از برخی آیات پیرامون زنان یافت می‌شود که در همین مقاله بدان اشاره شد و با بیان نظرات جدید راه تفسیر پویا و صحیح را برای مفسرین امروز و آینده گشوده است.

## نتیجه گیری

می توان گفت روش بانو امین در تفسیر روشی است اجتهادی و عقلانی که با بهره گیری از تمامی منابع صحیح، معتبر و قابل استناد که با سعی و تلاش فراوان آن بزرگوار و با تکیه بر اندوخته علمی و معرفتی وی از محضر قرآن، اهل بیت % و علمای تراز اول زمان خویش به دست آورده، تدوین شده است.

این بانوی مجتهده با ذکاوتی مثال زدنی گرایشی اصیل از تفسیر عرفانی را سرلوحه کار خود قرار داده و با استعانت از معارف روح بخش رسول گرامی اسلام و اهل بیت مکرم ایشان، تفسیری متفاوت از تفاسیر عرفانی و باطن نگر ارائه نموده اند و راهی نو فراروی جویندگان سرچشمه های معرفت قرآنی گشوده اند.

لذا شایسته است بانوان تحصیل کرده در علوم دینی ضمن آنکه سیره ایشان را به عنوان الگویی مناسب در سبک زندگی اسلامی برمی گزینند در جهت نشر و ترویج تفسیر آیات قرآن با روش و نگرشی صحیح تلاش نمایند.

## فهرست منابع

### قرآن مجید

۱. بانوی امین اصفهانی، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش  
خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، بی‌نا، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ ق  
----- / هاشم زاده هریسی؛ نجمی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲  
رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳  
رضائی اصفهانی، محمدعلی، درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲  
سیدزاد، میرصادق، سالروز درگذشت بانو نصرت امین رحمه الله، گلبرگ، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۸۱  
شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲  
طباطبایی، سید محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق  
عبد الرحمن العک، خالد، أصول التفسیر وقواعده، مکتبه وقفیه، بی‌جا، چاپ دوم، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶  
علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱  
فیض کاشانی، ملأ محسن، تفسیر الصافی، الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق  
فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دار الرضی، قم، چاپ اول، بی تا  
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق  
مؤدب، سید رضا، روش‌های تفسیر قرآن، اشراق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰  
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق  
مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰  
معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون، الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیة، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۸  
مهریزی، مهدی، زن در تفسیر مخزن العرفان بانو امین اصفهانی، آینه پژوهش، خرداد ۱۳۸۵  
یادنامه بانوی مجتهده، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۲